

ولی سیسموندی بخود وفادار میماند . هنوز به این تضاد روند سرمایه داری نرسیده ، شروع به " رد کردن " پس سادۀ لوحانه آن کرده و در این رابطه میکوشد به هر قیمت ثابت کند ، که راهی که " میهن انگلیس " می رود غلط است .

" ولی بر سر روز مزدان چه می آید ؟ ... کار در مزارع از زمین خواهد رفت ، زمین های زراعی به مراتب بدل خواهند گشت . . . . بر سر ۴۵ هزار خانواری کیه اشتغال خود را از دست میدهند ، چه خواهد آمد ؟ \* . . . آیا دولتی وجود دارد که نیمی از ملتی را که بر آن حکومت میکند ، دستخوش چنین بحرانی نماید ؟ . . . . آیا آنهایی که زارعین را چنین باید قربانیشان کنند ، در این سودی خواهند یافت ؟

آخرین زارعین نزدیکترین و مطمئن ترین مصرف کنندگان کالاهای مانوفاکتورهای انگلیسی هستند . قطع مصرف آنان به صنعت ضربه ای وارد میکند ، که بایست به مراتب عقوتناکتر از بسته شدن یکی از بزرگترین بازارهای خارجی باشد " . ( ۲۲۶ / ۲۲۵ ) .

بار دیگر " تنگ شدن بازار داخلی " رسوا بر صحنه ظاهر میشود . اگر صرف کل طبقه زارعین انگلیسی ، که حدود نیمی از ملت را تشکیل میدهند قطع شود ، کارخانه ها چقدر خسارت خواهند دید ؟ اگر صرف شرותندان ، که همه درآمد آنها از ملک و زمین تقریباً از زمین خواهد رفت ، قطع شود ، کارخانه ها چقدر خسارت خواهند دید ؟ " ( ۲۲۷ ) .

رمانتیسست بیشترین زحمات را متحمل میشود ، تا به کارخانه داران ثابت کند ، که تضادهایی که ذاتی تکامل تولید و شریشان میباشد ، صرفاً منعکس کنند ، اشتباه و محاسبه نادرست آنهاست .

سیسموندی برای اینکه کارخانه دار را به " خطرناک بودن " سرمایه داری معتقد کند ، دست به تشریح مفصل خطر رقابت غله لهستانی روسی میزند . ( ۲۱۱ - ۲۵۷ )

---

\* - برای اثبات اینکه سرمایه داری بدر نمیخورد ، سیسموندی فرایک مثال عددی در میان میکند : ( کاری که مثلاً رمانتیسست روسی طا آقای و . و . هم اینقدر دوست دارد ) . او میگوید : ۶۰۰ هزار خانوار در کشاورزی اشتغال دارند . اگر مزارع به مراتب بدل شوند ، در اینصورت به بیش از یکدهم این عده " احتیاج " نخواهد بود هر قدر نویسنده ای توان درک کفتری از یک روند دروغرنجی جامع آن داشته باشد همانقدر باعلاقه به محاسبات کودکانه " بر حسب تشخیص چشم ، دست می آزد .

اوهمه استدلالات مکنه رابه میدان میکشد ، وحتی میل دارد خود خواهی انگلیسی هارا تحريك کند .

"چه بر سر شرافت انگلیسیها خواهد آمد ، اگر امپراطور روسیه هر وقت که خواستار اشیای از انگلستان است ، بایستن بنا در دریای بالتیک قادر به گرسنگی دادن آن باشد ؟" خواننده بیاد بیاورد ، که چگونه سیسموندی میکوشید ، از اینراه اشتباه آمیز بودن "توجیه قدرت پول" را ثابت کند ، که بهنگام فروش بسهولت شیهای ممکن است . . . . سیسموندی میخواهد ترجیحین تشویک اجاره کاری را با این تذکر "رد کند" ، که اجاره کاران شرمند قادر به مقاومت در مقابل دهقانان فقیر نخواهند بود (در بالا این قول را آوردیم) ، و بالاخره به نتیجه دلخواه خود میرسد و ظاهرا معتقد شده است ، که "اشتباه آمیز بودن" راهی را که "صیبن انگلیس" می رود ، ثابت کرده است . "نمونه انگلستان بمانشان میدهد که این عمل" (تکامل اقتصاد پولی" که سیسموندی "عادت به خودکفائی" را در مقابل آن قرار میدهد) ، "بدون خطر نیست" (۲۶۳) ، "این سیستم بهره برداری از زمین است" (منظور اجاره کاری است) "که بد بوده و بر اساس خطرناکی مبنی است و باید به تغییر آن کوشید" (۲۶۶)

یک مسئله مشخص ، که ناشی از برخورد منافع معین در یک نظام اقتصادی معین میباشد ، بدینترتیب در سیل آرزوهای نیکوکارانه غرق شد . ولی طرح مسئله توسط خود جوانب نینفع چنان حادث بود ، که بسنده کردن به چنین "راه حلی" ، (کاری که رمانتیسیستها در کلیه مسائل دیگر نیز انجام میدهند) ، دیگر غیر ممکن بود .

سیسموندی دستخوش تردید میسرود : "ولی چکار باید کرد ؟ بایستی بنفایر انگلستان را گشود یا بست ؟ بایستی کارگران کارخانه یا کارگران روستای انگلستان بدست گرسنگی و مرگ سپرد ؟ برآستی که سؤال دهشتناکی است : وضعی که وزارتخانه انگلیسی دچارش شده ، یکی از محضترین اوضاعی است ، که سیاستمداران میتوانند دچارش شوند" . (۲۰۶) ، و دوباره وارد دیگر سیسموندی بسی این "استنتاج عام" باز میگردد ، که سیستم اجاره کاری چقدر "خطرناک" است ، و چقدر "خطرناک" است ، که "کل کشاورزی را تحت سلطه سیستم

اسپکولاسیون قرارداد. اما "اینراکه چگونه میتوان در انگلستان دست بسازد اقدامات اساسی، هرچند با تأثیر طئی، زد، که مزارع استیجاری کوچک دوباره پراج شوند، در حالیکه نمیی از ملت که در کارخانه ها مشغول است، گرسنگی میکند و اقداماتی که میطلبید، نیم دیگر ملت، آنها را که در کشاورزی مشغول اند با خطر گرسنگی روبرو میسازد، من نمیدانم، من تمییرات بزرگ در قوانین غلصه را ضروری میدانم، ولی به کسانی که الفاء کامل آنها را میطلبند توصیه میکنم با اهتمام کافی این سئوالات را بررسی کنند." (۲۶۷) سپس شکوه ها و هراسهای قدیمی درباره اضمحلال کشاورزی، تنگ شدن بازار داخلی و غیره میآیند.

بدین ترتیب رمانتیسیم در همان اولین برخورد با واقعیت با عدم موفقیت کاملی روبرو شده و خود را مجبور دید، که بدست خود برای خود یک گواهی نامه فقر صادر کرده و دریافت آنرا خود تصدیق کند. بیاد بیآوریم که رمانتیسیم با چه سهولت و سادگی همه مسائل را در "تئوری"، "حل" کرد. حمایت گمرکی نابخوردانسه است، سرمایه داری اشتباه و برانگیزی است، راه انگلستان نادرست و خطرناک است، تولید بایستی با مصرف همگام باشد. ماشین فقط زمانی نافع است، که به افزایش دستمزدها یایه کاهش ساعات کار روزانه بیانجامد. وسایل تولید را نباید از مولدین جدا کرد، جریان جاده نباید از تولید پیشی بگیرد، نباید به اسپکولاسیون بیانجامد و... هر تضادی را رمانتیسیم با یک شعار احساساتی مربوطه خفصه کرد، جواب هر مسئله را با یک آرزوی خیرخواهانه داد، زدن این برجست را به واقعیات زندگی عملی "راه حل" مسئله قلمداد کرد. جای تعجب نیست که این راه حل ها اینقدر ساده و سهل بودند: آنها فقط یک چیز کوچک را نادیده میگرفتند. منافع واقعی را، که برخورد آنها همان تضاد را موجب میشد، و آنگاه که رمانتیسیمت بملت تکامل این تضاد بایکی از این برخورد های شدید رودر رو قرار گرفت، که نمونه ای از آن مبارزه طرفین قبل از الفاء قوانین غلصه در انگلستان بود، آنگاه رمانتیسیمت مابکل گیج شد. او در ره رویاها و آرزوهای نیکوکارانه در پوست خود نمیگنجید، او استادانه قادر به تألیف شعارهای فرمول وار بود، که بر "جامعه" بطور اعم (ونه بريك نظام اجتماعی تاریخی معین) منطبق بودند. ولی زمانی که از دنیای خیالپردازیهای خود یایه گرداب زندگی عملی و مبارزه منافع نهاد، در

آنجا حتی يك معيار هم برای حل مسائل مشخص در دست نداشت . عادت بسه  
نقشه کشیهای انتزاعی و راه حل های تجریدی مسئله را باین فرمول ساده کشاند :  
کدام جمعیت باید ورشکست شود . آنکه در کشاورزی یا آنکه در مافاکتور مشغول  
است ؟ و آنگاه رمانتیسیمت مجبوره اخذ این نتیجه بود ، که هیچکس نباید  
ورشکست شود ، و باید " از سر تصرف شد " . . . . ولی او خود را چنان تحت  
فشار تضاد های واقعی می بیند ، که با اجازه صعود مجدد به مدآرزوهای نیکوکارانه  
رانمیدهند ، طوری که رمانتیسیمت اجبارا باید جوابی بدهد . میسومندی حتی  
در جواب داده است : یکی اینکه " من میدانم " . و دیگری اینکه " از کسومیتوان  
نپذیرفت ، از سوی دیگر نباید نادیده گرفت " .

در نهم ژانویه ۱۸۴۸ پارکس در يك جلسه علنی در بروکسل " سخنرانی درباره  
مسئله تجارت آزاد " \* ایراد نمود .

برخلاف رمانتیسیم ، که میگفت اقتصاد سیاسی " نه علم محاسبات بلکه علم اخلاقی  
است " ، او درست محاسبه ساده و معقول منافع را نقطه حرکت توضیحات خود قسرار  
داد . سخنران بجای تعمق در مسئله قوانین غلبه بمثابه يك مسئله " سیستمی " که  
ملت انتخاب کرده ، یا بمثابه يك مسئله مربوط به قانونگزاری ( کاری که میسومندی  
میکرد ) ، با این شروع کرد ، که باین مسئله بمثابه يك برخورد منافع بین کارخانه  
داران و مالکین ارضی ، برخورد کند ، سپس نشان داد ، که چگونه کارخانه داران  
مسئله را مربوط به تمام خلق قلمداد میکردند و میگویند کارگران را معتقد کنند ، که  
بمنفع خواسته های خلق فعالیت نمایند . برخلاف رمانتیسیمت ، که مسئله را در  
رابطه با محاسباتی مطرح میکرد ، که قانونگزاری بهنگام اجرای اصلاحات میبایست  
در نظر گیرد ، سخنران مسئله را ناشی از برخورد منافع واقعی طبقات مختلف جامعه  
انگلستان دانست . او نشان داد که کل این مسئله بر اساس ضرورت ارزان نمودن  
مواد خام برای کارخانه دارهتی است . او حدس و ظن کارگران انگلیسی را ، که  
" بزرگترین دشمنان " خود را " در مردانی فداکار ، در باورینگ طانندی ، برایت

---

\* - " discours sur libre échange " ما ترجمه آلمانی  
" Rede über Frage d. Freihandels " استفاده میکنیم

مانندی و شرکایشان " میدیدند ، توصیف نمود . .

کارخانه داران " با مخارج زیاد قصرها میسازند ، که در آنها اتحادیه " Anti-corn, law-leagues اتحادیه علیه قوانین غله ۵۷ " با اصطلاح اداره خود را مستقر میکرد . آنها یک ارتش کامل از میسیونرها به همه نقاط انگلستان ارسال میدادند تا مبلغ مذکور تجارت آزاد باشند . آنها هزاران جزوه بچاپ رسانده و مجاناً پخش میکنند ، تا کارگزاران به منافع خودش آگاه سازند ، آنها مالغ عظیمی خرج میکنند تا مطبوعات را نسبت به امر خود متعایل سازند . آنها یک دستگاه اداری بی مانند سازمان میدهند تا جنبش تجارت آزاد را رهبری کنند ، و همه استمدادهای سخنوری خود را در میتینگ های عمومی شکوفا میسازند . در یکی از همین میتینگ ها بود که کارگری فریاد زد " اگر مالکین ارضی استخوانهای طرا میفروختند ، در اینصورت شما کارخانه داران اولین کسانی میبودید ، که آنها را میخریدید تا به آسیاب های بخاری افکنده و از آن آرد درست کنید . " کارگران انگلیسی مفهوم بارزه بین مالکین ارضی و سرمایه داران را خیلی خوب فهمیده اند . آنها خوب میدانند ، که کوشش میشود قیمت نان کاهش یابد تا مزد های پائین آورده شوند ، اینکه سود سرمایه همانقدر که بهره کاهش یابد ، بالا خواهد رفت . "

بدین ترتیب کل طرح مسئله با طرح آن توسط سیموندی متفاوت است . این وظیفه تعیین میشود که : اولاً موضع طبقات مختلف جامعه انگلیس نسبت باین مسأله از موضع منافع آنان توضیح داده شود . ثانیاً اهمیت این اصلاحات در تکامل اقتصاد ملی انگلستان روشن شود .

در مسئله آخر نظریات سخنران با نظریات سیموندی تا آنجایی است ، که اونیز این رانه یک مسئله قسمی بلکه یک مسئله عمومی تکامل سرمایه داری بطور عام مسئله " تجارت آزاد " بحثیه سیستم ، میداند .

" الفاء " قوانین غله در انگلستان بزرگترین پیروزی است ، که تجارت آزاد در قرن نوزدهم بدست آورده است . ۵۸

" بالفاء " قوانین غله ، رقابت آزاد ، اقتصاد اجتماعی امروزی به اوج خود رسانده میشود . " بدین ترتیب مسئله مربوطه برای این نویسندگان ، مسئله این میشود ، که آیا ادامه تکامل سرمایه داری خوب است یا اینکه باید بجای آنرا گرفت ، یا در

جستجوی "راه های دیگری" باید بود و غیره . حال ما میدانیم ، که جواب مثبت آنها به این سؤال درست بمعنای حل کل مسئله اصولی مربوط به "سرنوشت سرمایه داری ، بدون مسئله" مشخص قوانین غله در انگلستان ، زیرا که موضع تنظیم شده در این رابطه ، مدت ها بعد در قبال کشورهای دیگر نیز کار بسته شد . نویسندگان همان نظریات را در سالهای چهل . چه در رابطه با آلمان و چه در رابطه با آمریکا عنوان کردند . \* و ثابت آزاد را برای این کشور حائز اهمیت شرقی دانستند . در مورد آلمان یکی از آنها در سالهای شصت نوشت ، که این کشور نه فقط از سرمایه داری ، بلکه از تکامل ناقص آن نیز نجات میبرد .

به سخنرانی بازگردیم ، که ما در اینجا تصور میکنیم . مابین اشاره کردیم ، که سخنران موضع دیگری از نقطه نظر اصولی اتخاذ کرده و حل مسئله را در منافع طبقات مختلف جامعه انگلیس جستجو نمود . همین تفاوت بنیادی را ما در این نیز میبینیم ، که او چگونه مسئله "تشریک ناب اهمیت لغو قوانین غله را برای اقتصاد ملی ، مطرح مینماید . این برای او مسئله "تجربیدی اینکه انگلستان کدام سیستم را باید بپذیرد ،

#### پاروقی صفحه قبل .

"وضع طبقه کارگر در انگلستان" ( ۱۸۴۵ ) .<sup>۵۹</sup> این اثر درست از همان موضع قبل از الغاء قوانین غله ( ۱۸۴۶ ) نوشته شده ، حال آنکه سخنرانی نقل شده در متن به زمان بعد از الغاء آنها متعلق است . ولی تفاوت زمانی برای ما فاقد اهمیت است ؛ کافی است که تعلمات فوق الذکر سیسموندی را ، که به سال ۱۸۷۲ مربوط میشوند ، با این سخنرانی مربوط به سال ۱۸۴۸ مقایسه کنیم تا ببینیم چه قدر عناصر این مسئله در نزد هر دو مسئله یکسان اند . خود این فکر مقایسه سیسموندی را با اقتصاددان آلمانی مؤخر اطا از " لغت نامه دستی علوم کشوری " گرفته ایم ، مقاله "سیسموندی" نوشته لیپرت ، صفحه ۲۷۹ . همانطور که دیده شد ، این موازی چنان جالب توجه شد ، که توضیحات آقای لیپرت فرأخسته کنندگی . . . میخواهم بگویم "هینیت" خود را از دست داده و جالب توجه ، زنده و حتی پرشور شد .

\* رجوع کنید به مقاله جدید الکشف مارکس منتشره در "westfälisches

Dampfboot که در "Neue Zeit" بچاپ رسیده است ؟

کدام راه را در پیش گیرد ، ( آنگونه که سیسموندی مسئله را طرح کرده و فراموش میکند ، که انگلستان گذشته و حال دارد ، که از قبل این راه را تمیین میکند ) ، نیست .  
خیر ، او مسئله را فواجر بر بنای نظام اجتماعی - اقتصادی موجود قرار میدهد . او از خود میپرسد ، که گام بعدی در تکامل این نظام پس از الفاء قوانین غله چه باید باشد .

مشکلی این مسئله در پیش بینی تأثیر الفاء قوانین غله بر کشاورزی بود - زیرا که تأثیر این در مورد صنعت برای همه روشن بود .

اتحادیه علیه قوانین غله برای اثبات اینکه ، الفاء قوانین غله برای کشاورزی نیز سود مند خواهد بود ، جوایزی برای سه بهترین آثار در مورد تأثیر در مانگر الفاء قوانین غله بر کشاورزی انگلستان تمیین نمود . سخنران با جملات نظریات هر سه برندگان جوایز ، هوب ، مورس ، گرگ ، را بازگو کرده و فرآوری این آخری تأکید میکند ، که اثرش علی تراس است و دقیقاً از اصول تنظیم شده توسط اقتصاد سیاسی کلاسیک پیروی میکند .

گرگ که خود نیز کارخانه دار بزرگ بود و در درجه اول برای اجاره کاران بزرگ مینوشت ، دلیل میآورد ، که الفاء قوانین غله اجاره کاران کوچک را از کشاورزی براند و اینان به صنعت پناه خواهند برد ، ولی برای اجاره کاران بزرگ نافع خواهد بود ، چرا که آنها قادر میشوند زمین را برای زمان طولانی تری اجاره کنند ، سرمایه های بیشتری در زمین بکارند ، از زمینها بیشتر بکارند و در عین حال به مقدار بیشتر کتری کار احتیاج داشته باشند ، که با ارزانتر شدن غله ، باید ارزانتر شود . در حالیکه مالکین ارض باید به بهره کتری اکتفا کنند ، زیرا که ارض بدتر ، که قاندر به مقاومت در رقابت با واردات غله ارزان نیستند ، زیرکشت نمیروند .

سخنران ، همانطور که بعداً دیده شد ، کاملاً حق داشت این پیش بینی و دفاع آشکار از سرمایه داری در کشاورزی را علی تر نامد . تاریخ حفظیت این پیش بینی را نشان داد . " الفاء " قوانین غله جنبش فوق العاده ای در کشاورزی انگلستان پیش آورد . . . . کاهش مطلق جمعیت کارگری روستائی با توسعه زمینهای زیرکشت ، با زراعتی متراکم تر ، با انباشت بیسابقه سرمایه هائی که در خود زمین بکار رفته یا برای کشت و کار آن تخصیص داده شده است ، با افزایش تولید بمقیاسی که در تاسار پیش

کشاورزی انگلستان بیسابقه است ، بابت بهره های گزافی مالکین زمین ثروت روزافزون  
فارمداران ( اجاره کاران - م ) سرمایه دار ، همراه بوده است . . . سرمایه  
گذاری بزرگتر بحسب آکو ( جریب - م ) ولذات جمع و گردانی شتابان فارمها ( مزارع  
استیجاری - م ) نیز شرط اساسی اعمال اسلوههای جدید بود . \*  
ولی بدیهی است که سخنران به درست تر نامیدن تعقیقات گرگ بسنده نکرد ،  
برای گرگ این تعقیقات استدلال يك هوادار تجارت آزاد بودند ، که از کشاورزی  
انگلستان بطور اعم صحبت میکند و میخواهد ثابت کند ، که الفاء قوانین غله چه نفع  
عالی برای ملت بدنیال دارد . برحسب آنچه که در بالا آوردیم روشن است ، که  
این نقطه نظر سخنران نبود . او شریع کرد ، که کاهشهای غلات ، که هواداران  
تجارت آزاد اینقدر درباره اش شناخوانی میکنند ، بمعنای کاهش اجتناب ناپذیر  
دستمزد و ارزاتر شدن کالای " کار " ( دقیقتر : نیروی کار ) میباشد .

---

\* - این در سال ۱۸۶۲ نوشته شده است . آنچه که به بیشتر شدن بهره مربوط  
میشود ، باید برای توضیح این پدیده به قانونی توجه کرد ، که بوسیله جدید  
ترین تحلیل بهره تفاضلی تبیین شده است : اینکه افزایش بهره با وجود بهای رو  
به کاهش غلات ممکن است . " زمانیکه در سال ۱۸۴۶ کمکات غله الفاء شدند ،  
کارخانه داران انگلیسی گمان میکردند ، که بدین وسیله مالکین ارضی آریستوکرات  
انگلیس را به مستعدان بدل کرده اند ، ولی بجای این آنها اثر عمدتاً ترازمیشسته  
شدند ، چگونه این میسر شد ؟ خیلی ساده ، اولاً از آن پس از اجاره کاران به  
صورت قراردادی خواسته شد ، که در سال برای هر جریب بجای ۸ پوند استرلینگ  
۱۲ پوند بپردازند ، ثانیاً ، مالکین ارضی که در مجلس عوام نمایندگان زمیادی  
داشتند ، برای خود مساعدت های دولتی بمنظور زه کشی و خشک کردن زمین  
و دیگر بهبود بخشش های مداوم زمینهایشان تصویب کردند . از آنجا که کنار زدن تمام  
و کمال بدترین زمینها صورت نگرفت و اینها حد اکثر ، آنها برای مدت معینی بمصارف  
دیگر رسیدند ، بهره ها نیز متناسب با سرمایه گذاری بیشتر بالا رفت و آریستوکراسی ارضی  
وضع بهتری از هر زمان دیگر داشت "



و اینکه ارزاتر شدن غله هیچگاه قادر به جبران این کاهش دستمزد کارگران نخواهد بود. زیرا که با تنزل بهای غلات برای کارگر مشکل تر میشود، در مصرف نان پس انداز نماید تا بتواند چیز دیگری بخرد، ثالثاً، زیرا که پیشرفت صنعتی اموال مصرفی را ارزاتر میکند، از این طریق عرق راجایگزین آجود، سیب زمینی راجایگزین نان، پنبه راجایگزین پشم و کتان مینماید و وسیله همه اینها حوائج و سطح زندگی کارگران را تنزل میدهد.

بدین ترتیب میبینیم، که سخنران ظاهراً عناصر مسئله را با نندسیسموندی تبیین میکند: او نیز روشکستگی اجاره کاران کوچک، فقر کارگران صنعت و کشاورزی را نتیجه اجتناب ناپذیر تجارت آزاد میبیند. در همین جایز نارود نیکی های ما، که در هنر "نقل قول آوردن" استادان بیمانندی هستند، عادت دارند بایستند، تا بسا رضایت کامل "موافقت" کامل خود را ابراز دارند. ولی چنین اعمالی صرفاً نشان میدهند، که آنها اولاً تفاوت عظیم در چگونگی طرح مسئله را، که ما در بالا آن اشاره کردیم، نمیفهمند، ثانیاً اینکه، آنها این نکته را نادیده میگیرند، که تفاوت اساسی بین تئوری نوین و ماتیسسیسم تازه در اینجا آغاز میشود: ماتیسسیست از مسائل مشخص تکامل واقعی روی بر میگیرند و خود را به خیالپردازی مشغول میکند، ولی رئالیست واقعیات تبیین شده را با مثابه معیار راه حل معین یک مسئله مشخص بکار میگیرد.

پس از اینکه سخنران به بهبود آتی موقعیت کارگران اشاره کرده بود، ادامه داد:

"در پاسخ این اقتصاد دانان یا آنها خواهند گفت: " بسیار خوب، ما میپذیریم که رقابت بین کارگران، که تحت سلطه تجارت آزاد و حتماً کمتر نخواهد بود، بزودی دستمزد ها را با بهای کمتر کالاها منطبق خواهد ساخت. ولی از سوی دیگر بهای کمتر کالاها مصرف را بیشتر خواهد کرد، مصرف بیشتر تولید بزرگتری را ایجاب خواهد نمود، و این خود تقاضای بیشتری را برآوردنیال خواهد داشت، و در تعاقب تقاضای بیشتری کار افزایش دستمزد ها خواهد آمد. همه این استدالات با این منتهی میشود: تجارت آزاد نیروهای مولده را پیش نمیبرد، اگر صنعت در حال رشد باشد، اگر ثروت، اگر نیروهای مولده، و بیک کلام

اگر سرمایه مولد تقاضای کار را افزایش دهد ، در این صورت بهای کل رونق جتان مستمر نیز افزایش مییابد ، شرایط مساعد برای کارگران رشد سرمایه است ، و این را باید معترف بود . \* اگر سرمایه ایستایماند در این صورت صنعت نه فقط ایستا خواهد ماند ، بلکه پس خواهد رفت ، و در این حالت کارگر اولین قربانی خواهد بود . او در پیش سرمایه دار سربخاک خواهد سائید ، و در حالتی که سرمایه رشد کند ، یعنی همان طور که گفتیم ، در این بهترین حالت برای کارگر ، سرنوشت او چه خواهد بود ؟ او از سربخاک خواهد سائید . " سپس سخنران با استناد به اسناد اقتصاد دانان انگلیسی به تفصیل توضیح میدهد ، که چگونه تمرکز سرمایه تقسیم کار را تشدید میکند ، کسسه موجب ارزانی نیروی کار میشود ، زیرا که کار ساده جایگزین کار تخصصی میشود ، چگونه کارگر توسط ماشین بکنار زده میشود ، چگونه سرمایه بزرگ صاحبان صنایع کوچک و بهره بران کوچک را ورشکسته کرده و نه تشدید بحرانها منجر میشود ، که بنوعی خود تعداد بیکاران را با زهم بیشتر میکنند . استنتاج ناشی از تحلیل بی این بود ، که تجارت آزاد معنای دیگری جز تکامل آزاد سرمایه ندارد .

بنابراین سخنران قادر بر یافتن معیار حل مسئله ای شد ، که در نگاه اول بنظر میرسید ، بهمان دراهمی بن بستنی خواهد رسید ، که سیسموندی در جلوی آن باز ایستاده بود : چه تجارت آزاد وجه تجدید تجارت هر دو ویکسان به افلاس کارگران میانجامد ، این معیار رشد نیروهای مولده میباشد . طرح مسئله بر مبنای تاریخی بلافاصله مؤثر واقع شد : بجای مقایسه سرمایه داری بایک جامعه تجریدی ، آنگونه که باید باشد ، ( یعنی در واقع بایک پندار ) ، سخنران آنرا با مراحل قبلی اقتصاد ملی مقایسه کرد ، و نیز مراحل مختلف سرمایه داری را در تبدلات مداوم آن بایکدیگر مقایسه کرده و این واقعیت را تبیین نمود ، که نیروهای مولده جامعه به شکرانه رشد سرمایه داری تکامل مییابند . و از آنجا که او از دیدگاه علمی به استدلالات هواداران تجارت آزاد برخورد مینمود ، قادر به جلوگیری از تکرار اشتباه رمانتیسیمتها شد ، که معمولا ، تا آنجا که برای این استدلالات هیچ گونه اهمیتی قابل نیستند ، " بچه را با ظرف حمام یکجا بدور میاندازند " . او قادر شد هسته صحیح آنها را بیرون بکشد ، و

\* - تکیه از است .

این همانا واقعیت غیر قابل انکار پیشرفت غول آسای فنی است . نارود نیکبهای منا  
 طبیعتا با تیزبینی خاص خود فوراً این نتیجه میرسیدند ، که این مولف که چنیمن  
 آشکار جانب سرمایه بزرگ راعلیه مولدین خرده پامیگرد ، يك "توجیه گرفتار پول"  
 است ، و از این بدتر روی سخن او اروپای بری بود ، و استنقاجات بدست آورده از  
 حیات انگلیس رابه میهن خود نیز ، که در آن زمان صنعت ماشینی در آن اولین گام  
 های خجول خود را بر میداشت ، تعمیم میداد . حال آنکه آنها میتوانند در این  
 نمونه ، ( نمونه های مشابه متعدد دیگری از تاریخ اروپای غربی ) ، این پدیده را ،  
 که مطلقاً نمیتوانند بفهمند ، ( شاید نمیخواهند بفهمند ؟ ) ، مورد بررسی قرار دهند ،  
 که کسیکه سرمایه بزرگ را مرفی ترا تولید خرده پامیداند ، با "توجیه" بسیار فاصله  
 دارد .

کافی است که فصل فوق الذکر سیسموندی و این سخنرانی را بیاد آورد تا به تفوق  
 آخری ، چه از نقطه نظر تئوریک و چه در مفهوم دشمنی آن با هرگونه "توجیه" معتقد  
 شد . سخنران تضاد های را که با تکامل سرمایه بزرگ همراه اند ، بمراتب دقیقتر ،  
 کاملتر ، صریحتر ، و آشکارتر از آنچه که رمانتیسست ها کرده باشند ، خصالت نفا کرد .  
 ولی در هیچ کجابه سطح عبارت پردازی احساساتی ، که بر این تکامل زاری میکند ،  
 سقوط نکرد ، او در هیچ کجاحتی اشاره کوچکی هم به فلان . یا بهمان امکان "انحراف  
 از مسیر" نکرده است . برای ابروشن بود ، که آنها که چنین عبارت پردازی می  
 کنند ، تنها واقعیات را میپوشانند و خود از مسئله ای "منحرف میشوند" ، که زندگی  
 یعنی واقعیت اقتصادی موجود ، منافع موجود که بر بنیای این تکامل رشد میکنند ،  
 در مقابل آنها مطرح کرده است .

معيار تمام و كمال علي فوق الذکره سخنران امکان دارد ، که مسئله را حل کرده  
 و در عين حال يك رثالیست نیگیر بماند .

سخنران ادامه داد " ولی آقایان من گمان نکنید ، که اگر ما تجارت آزاد انتقاد  
 میکنیم ، قصد مان دفاع از سیستم حمایت گمرکی است " . سپس سخنران به مانسی  
 مشترك تجارت آزاد و سیستم حمایت گمرکی در نظام فعلی اقتصاد طی اشاره کرده و  
 با حمال توجه رابه روند " تحول " زندگی اقتصادی کهن و مناسبات نیمه پدرسالاری  
 کهن در کشورهای اروپای غربی جلب کرد ، که سرمایه داری انگلستان در اروپای بری

موجب شده است ، و این واقعیت مهم اجتماعی اشاره نمود ، که تجارت آزاد در  
شرایط معینی این " تحول " را تسریع میکند . \*  
سخنران با این جمله سخن خود را تمام کرد : " و فقط در این مفهوم انقلابی  
آطیان من ، من با تجارت موافقم " ۱۴

---

\* — باین اهمیت الغاء قوانین غله نویسنده کتاب " موقعیت " نیز روشنی ، قبل از  
الغاء آنها اشاره کرد با توجه باینکه امروزه بر تأثیر آن روی خود آگاهی مولدین تکیه  
میکرد . ۱۳

www.KetabFarsi.com

## الف

### توضیحات و حواشی

۱- و. و. نام مستعار و. پ. هرف و. بن. ان یا نیکلای. ان نام مستعار  
ن. ف. دانلیسون میباشد، که هر دو در سالهای هشتاد و نود از اندیشه  
روزان (ایده تولوگ) جریان نارودنیکی لیبرال بودند. توضیح ناشر. از این پس  
ناشر

۲- "خدم و حشم" را برای ترجمه واژه آلمانی *Gesinde* بکار برده ایم

۳- *Kustar*

۴- توضیح مؤلف برای چاپ سال ۱۹۰۸ - ناشر

۵- *Adam Smith* (۱۷۹۰-۱۷۲۳) یکی از برجسته ترین  
اقتصاددانان انگلیسی که تجارب دوره مانوفاکتوری سرمایه داری و سیستم  
فابریکی آغازیابنده را جمع بندی کرده و به اقتصاد کلاسیک بورژوازی هیأتی تکامل  
یافته بخشید. مارکس و اقتصاددان دوره مانوفاکتوری میداند. (ترجم)

۶- دیوید ریکاردو (۱۸۲۳-۱۷۷۲) اقتصاددان برجسته انگلیسی و آخرین  
نماینده مکتب کلاسیک علم اقتصاد. او تعیین ارزش برحسب زمان کار را طرح می  
کند و تضاد منافع مختلف جامعه را کشف میکند. ولی نظام سرمایه داری را جاویدان  
فرض میکند

- جان استوارت میل (۱۸۰۶-۱۸۷۳) مؤسس مکتب لیبرال در علم اقتصاد  
و آخرین شخصیت اقتصاد کلاسیک انگلستان، که با وی مکتب ریکاردو و انحلال  
قطعی میرود. وی سعی میکرد بین عقاید این مکتب و خواسته های اجتماعی طبقه  
کارگرسازی بوجود آورد.

- پیر ژوزف پرودون (۱۸۶۵-۱۸۰۹) سوسیالیست خردمند بورژوازی فرانسه  
و یکی از پایه گذاران آنارشیسم. کارل مارکس، که کتاب "فقر فلسفه" را بنامش می  
رود

نظریات پرودون که در اثر وی بنام "فلسفه فقر" منعکس شده، نوشته، درباره او میگوید: "پرودون مقولات اقتصادی را بصورت اندیشه های جاودتلقی میکند و از این بپراجه مجدداً به نظریات اقتصاد پرودون میرسد". . . . . "سوسیالیسم بی خیال باقی عایانه است. . . . . و چون وی هیچگاه دیالکتیک علی را درک نکرده است، آنرا تا سرحد سوفسطائی رسانده است".

- کارل رود برتوس - یاگسوف (۱۸۷۵-۱۸۰۵) سوسیالیست نمبری و استوار مآب و اقتصاددان آلمانی، که سرمایه داری را از لحاظ بیعدالتی در توزیع ثروت مورد انتقاد قرار میدهد (مترجم)

۷- این بمعنای تردید و درنگ در از سر باز کردن امری است. پونتیسوس پیلاتوس (یا یونس پیلات) نام فرماندار رومی است که صیح در زمان وی مصلوب شد. بنا بر روایات وی دست خود را در آب شست، باین معنی که در قتل صیح مسئولیتی ندارد. (مترجم)

۸- کلیات آثار مارکس - انگلس بزبان آلمانی (از این پس - کلیات) جلد ۲۴، برلن ۱۹۶۸ صفحه ۳۷۴/۳۷۳

۹- همانجا صفحه ۳۹۰

۱۰- نئین در چاپهای ۱۸۹۷ و ۱۸۹۸ در اینجابه کتاب م. ای. توکان، بارانفسکی "بحرانهای صنعتی"، قسمت دوم ارجاع میداد.

در چاپ ۱۹۰۸ یعنی خواننده را به اثر خودش "تکامل سرمایه داری در روسیه" که برای اولین بار در سال ۱۸۹۹ منتشر شد، ارجاع میدهد (ناشر)

۱۱- "سرمایه" جلد دوم، کلیات: جلد ۲۴ - برلن ۱۹۶۸ صفحه ۳۹۰

۱۲- ژان باتیست سه (۱۸۳۲-۱۷۲۷). اقتصاددان فرانسوی. وایه گذار آموزش اقتصاد عامیانه در مورد فاکتورهای تولید، بدین ترتیب که زمین، سرمایه و کنار منابع مستقل بهره، سود و مزد محسوب میشوند. (مترجم)

۱۳- کلیات: جلد ۲۵، برلن ۱۹۶۸ صفحه ۲۶۰

۱۴- اثر کارل مارکس

۱۵- کلیات: جلد ۲۴، برلن ۱۹۶۸ صفحه ۳۱۸

۱۶- رجوع کنید به کلیات آثار نئین: ترجمه آلمانی جلد ۳ فصل اول، قسمت شش





است . ( ناشر )

۲۷- کلیات آثار : جلد ۲۵ ، برلن ۱۹۶۸ صفحات ۸۸۵ ، ۸۸۹ ، ۸۹۱ / ۸۹۰

۲۸- همانجا صفحه ۸۴۸

۲۹- ن- بلتوف نام مستعار گ . و . پلخانف بود . لنین در اینجا از اثر نام برده  
" در مورد مسئله تکامل تاریخ نگری وحدانی " ( برلن ۱۹۵۶ - صفحه ۵۶ / ۵۵ )  
نقل میکند . ( ناشر )

۳۰- بعد التحریر توسط لنین برای چاپ ۱۹۰۸ نوشته شد ( ناشر )

۳۱- کلیات : جلد ۲۶ ، قسمت دوم ، برلن ۱۹۶۷ صفحه ۱۰۷ پیوسته .

۳۲- لنین از نارودنیک لیبرال ، اس . ن - پوشاکف ، بصورت سخیره بعنوان  
نویسنده " شرقی " او آخر قرن ۱۹ نام میبرد . ( ناشر )

۳۳- François Marie Ch. Fourier ( ۱۸۲۷ - ۱۷۷۲ ) ،  
یکی از سوسیالیستهای پندارگرایی برجسته فرانسه ، که بقول انگلس نه تنها به  
انتقاد از جامعه موجود پرداخت ، بلکه تیره روزی جهان بورژوازی رانیز زیر حمله  
ایف نمود .

- Robert Owen ( ۱۸۵۸ - ۱۷۷۱ ) یکی از سوسیالیستهای  
پندارگرایی برجسته انگلستان . وی که سرمایه دار بود از طبقه خود برید و خود را در  
خدمت طبقه کارگر گذاشت

- William Thompson ( حدود ۱۸۳۳ - ۱۷۸۵ ) اقتصاددان -  
ایرلندی ، سوسیالیست پندارگرا و از هواداران رابرت اوان

۳۴- Artel

۳۵- کلیات آثار ، جلد چهارم برلن ۱۹۶۴ صفحه ۱۶۱ - لنین در اینجا به علت  
ساختن جای واژه " سوسیالیستها " از " نویسندگان " استفاده کرده است ( ناشر )

۳۶- William Atkinson ( قرن نوزدهم ) اقتصاددان انگلیسی ،  
که مخالف اقتصاد سیاسی کلاسیک بوده و از حمایت کمکی پشتیبانی میکرد .

۳۷- تروادیکرنیست : ضرب المثل فارسی " آن صبوشکست و آن پیمان ریخت "  
بمعنای این اصطلاح نزدیک است .

۳۸- کلیات آثار : جلد چهارم - برلن ۱۹۶۴ ، صفحه ۹۷ / ۹۶

۳۹- Isaac Pereire (۱۸۸۰-۱۸۰۶)، ابتدا طرفدار سن

سیمون بود، بعدها، در سال ۱۹۵۲ با تفاق برادرش بانک سهامی credit mobilier را تأسیس کرده، و اموال منقول را به رهن میگرفت.

۴۰- Claude Henri de Rouvray Comte Saint Simon

(۱۸۲۵-۱۷۶۰)، سوسیالیست خیالی‌باف فرانسوی: بقول انگلس "بخاطر دید وسیع نبوغ آمیزش، تقریباً نطفه همه افکار نه کاملاً اقتصادی سوسیالیست‌های بعدی را" طرح کرده است

۴۱- کارل مارکس: کلیات آثار جلد سیزدهم، بولن ۱۹۶۶، صفحه ۲۶

۴۲- "Stand"، پایگاه، صنف، طبقه، طبقات در جوامع پیشینش از سرمایه داری اروپا به خصوص در دوران فتودالیسم به اشتانده موسوم بودند، وجه عمده تمایز اشتانده با طبقه بمعنای مدرن، موضع حقوقی و حقوق مختص ویژه اشتانده ها و اعضا آن، وجود تحرک کم در بین اشتانده های مختلف و عدد و کم و بیش متحجر تعیین شده اشتانده ها بودند"

نقل از "سوسیالیسم علمی و مبارزه طبقاتی" شماره ۲- فروردین ۱۳۵۵، آوریل ۱۹۷۶، صفحه ۱۷۱/۱۷۰

۴۳- در چاپ‌های اول و دوم، لینین بعزت سانسوراژ آردن نام مارکس خود داری کرده و قسمت مربوطه از "هیجدهم بروملوی بناپارت را از کتاب پلخانف (نگاه کنید به تذکره شماره ۲۹- مترجم) نقل میکند. در چاپ ۱۹۰۸ لینین مستقیماً به مارکس استناد میکند. (ناشر)

رجوع کنید به: "هیجدهم بروملوی بناپارت" ترجمه فارسی محمد پور هرمان (با چند تغییر که نویسنده این سطر در آن وارد کرده است) صفحه ۴۹/۵۰

۴۴- "Russkaja Mysl" - نشریه ماهانه ادبی - سیاسی، که طی سالهای ۱۸۸۰ تا ۱۹۱۸ در مسکو منتشر میشد. تا سال ۱۹۰۵ در کنترل جریان لیبرال - نارودنیک بود، ولی در سالهای ۹۰ گاه مقالاتی از مارکسیست‌ها نیز در آن بچاپ میرسید. (ناشر)

۴۵- یکی از شخصیت‌های کمدی آ. استروفسکی: "ته مانده" تلخ جشن دیگران. (ناشر)

- ۴۶- کلونیازاسیون درونی سیاسی است که در برخی کشورهای سرمایه داری برای جلوگیری از مهاجرت دهقانان از مناطق روستائی، از طریق استقرار جمعیت در مناطق دست نخورده، بکار گرفته میشود. (ترجم)
- ۴۷- مارکس- انگلس: "مانیفست کمونیستی" کلیات آثار جلد ۱ برلین ۱۹۶۴ صفحه ۴۸۵ رجوع شود به ترجمه فارسی: مسکو ۱۹۵۱ صفحه ۱۰۴ با تغییر کوچکی که نویسنده این دستور در آن وارد کرده است.
- ۴۸- کارل مارکس: "سرمایه" جلد سوم- کلیات آثار، جلد ۲۵- برلین ۱۹۶۸ صفحه ۶۰۵
- ۴۹- کارل مارکس: "سرمایه"، جلد اول، ترجمه فارسی صفحه ۶۰.
- ۵۰- اثر فریدریش انگلس: کلیات آثار، جلد ۲، برلین ۱۹۶۹
- ۵۱- همانجا، صفحه ۲۴۹/۲۵۰
- ۵۲- رجوع کنید به "سرمایه"، ترجمه فارسی جلد اول- صفحه ۴۵۸. در چاپ سال ۱۹۰۸ لنین بعلمت سانسور بجای "انقلاب اجتماعی"، "تحول اجتماعی" آورده است، در اینجانب نیز این تغییر لنین قید شده است. (ناشر)
- ۵۳- Pfahlbürgertum اینان کسانی بودند که در قرون وسطی در خارج مرزهای شهر، در روستا زندگی میکردند ولی از حقوق یک شهروند برخوردار بودند. ما معادل بهتری برای آن نیافتیم. (ترجم)
- ۵۴- "مانیفست کمونیستی": کلیات آثار: جلد ۱، صفحه ۴۸۴/۴۸۵.
- لنین در اینجانب بعلمت سانسور، بجای "این سوسیالیسم" از "این آموزش" استفاده کرده است. در اینجانب نیز این تغییر قید شده است (ناشر)
- ۵۵- قوانین غله در سال ۱۸۱۵ در انگلستان به مرحله اجرا درآمدند. این قانون برای واردات غله گمرکات زیادی در نظر گرفته و در بعضی موارد واردات آنرا ممنوع کرده بود. قوانین غله به مالکین بزرگ ارضی امکان دادند، که بهای غلات را در بازار داخلی افزایش داده و بهره زیادی بدست آورند. بین مالکین بزرگ ارضی و پرژوانی بر سر این قوانین مبارزه ای شدید و طولانی در گرفت، که با لغو این قوانین در سال ۱۸۴۶ به پایان رسید.
- ۵۶- کلیات آثار: جلد ۱- برلین ۱۹۶۴ صفحه ۴۵۸-۴۴۴

۵۷- "اتحادیه علیه قوانین غله" در اوایل دهه سی قرن نوزدهم در منچستر پایه گذاری شد. در رأس اتحادیه کوهن و خرابیت که صاحب کارخانه های نساجی بودند، قرار داشتند.

۵۸- کلیات آثار: جلد ۴- برلن ۱۹۶۴ صفحه ۴۴۴

۵۹- همانجا: جلد ۲- برلن ۱۹۶۹ صفحه ۴۷۹

۶۰- منظوری بخشی از اثر مشترک مارکس و انگلس بنام "ایده ثولوزی آلطانی" است که با مخای مارکس در سال ۱۸۴۷ بصورت سلسله مقالاتی در نشریه ماهیانه "Das westphälische Dampfboot" به چاپ

رسیده و مجددا در سال ۱۸۹۹ در نشریه "Neue Zeit" (عصر جدید- نشریه سوسیال دموکراسی آلمان) به طبع رسید. (ناشر)

۶۱- "سرمایه": جلد اول ترجمه فارسی صفحه ۶۱۴/۶۱۳

۶۲- "سرمایه": جلد سوم- کلیات آثار جلد ۲۵، برلن ۱۹۶۸ صفحه ۷۳۵

۶۳- کلیات آثار: جلد ۲، برلن ۱۹۶۹ صفحه ۴۷۹/۴۸۰

۶۴- در اینجالتین بعلمت سانسور برخی کلمات قسمت نقل شده از سخنرانی مارکس را تغییر داده است. او بجای "انقلاب اجتماعی را تسریع میکند"، "این تحول" را تسریع میکند" آورده است. (ناشر)

۶۵- کلیات آثار: جلد ۴، برلن ۱۹۶۴ صفحه ۴۵۷ و ۴۵۸

www.KetabFarsi.com

## فهرست ترجمه برخی واژه‌ها

Pachtsystem	نظام استجاری
Pächter	اجاره‌کار
Unternehmer	کارفرما
Großunternehmertum	بزرگ‌کارفرمائی
Volkstümlichkeit, Narodniki	نارودنیکی
Übervölkerung	سرریز جمعیت
Unterbeschäftigung	کمبود اشتغال
Unterkonsumtion	کمبود مصرف
Konsumtionsfond	مصرف - مایه
produktive Konsumtion	مصرف بارآور
individuelle Konsumtion	مصرف فردی
Mehrwert	اضافه ارزش
kommerzieller Reichtum	ثروت تجاری
Rente	بهره
Differentialrente	بهره تفاضلی
Profit	سود
Einkommen	درآمد
Kapitaleinkommen	درآمد - سرمایه
fixes Kapital	سرمایه استوار
zirkulierendes Kapital	سرمایه گردان
konstantes Kapital	سرمایه ثابت
variables Kapital	سرمایه متغیر
Realisation	تحقق

Realisationsprozeß	روند تحقق
Verwertungsprozeß	روند ارزش افزائی
Überproduktion	مفریز تولید
Reproduktion	تجدید تولید
Zirkulation	دوران ( گردش )
Kreislauf	دور پیمائی
Umlauf	پویه
Konsumgüter	مواد مصرفی
Konsumtionsmittel	وسائل مصرف
Zins	بهره
Zinsfuß	نرخ بهره
Zyklus	دور
Reservearmee	ارتش ذخیره
Zunft	صنف
Gesinde	خدم و حشم
Stand	پایگاه
System	نظام - سیستم
Assoziation	تعاون
Kooperation	همکاری
Erscheinung	نمود
Phänomen	پندیده
Axiom	اصل متعارف
Existenz, Dasein	وجود ، قرناش
Individualismus	فرد گرایی
Egoismus	خود خواهی
Utopismus	پندار گراهی
Norm	هنجار

Aquivalent

معادل

Doktrin

آموزه

Entwicklung

تکامل

Terminologie

دانشوازه

Ideologie

اندیشه برزی

Evolution

دیگر روشی

Tendenz

گرایش

www.KetabFarsi.com



www.KetabFarsi.com

آنجمنه تاسکون منتشر شده است

الفبای کمونیسم	چاپ اول و دوم	ن . بوخارین
اصول کمونیسم		فریدریش انگلس
تکامل سوسیالیسم از تخیل به علم	چاپ اول و دوم	فریدریش انگلس
جنگهای دهقانی در آلمان		فریدریش انگلس
چندتن از رهبران سوسیالیسم		
انقلاب و ضد انقلاب در آلمان		فریدریش انگلس
جنگ پارتیزانسی		و. ای . لینن
آذربایجان و مسئله ملی		علیرضا ناپسند
کار و سرمایه		پوهان موسس
بررسی برخی مسائل اجتماعی		علی اکبر اکبری
در خصلت نطائی رمانتیسیم اقتصادی		و. ای . لینن

بازودی منتشر میشود

وضع طبقه کارگر در انگلستان	فریدریش انگلس
مجموعه مقالات و اشعار	علیرضا ناپسند
انقلاب پروتاریستی و فرهنگ	ن . بوخارین

منتشر خواهد شد

رشد سرمایه داری در روسیه	و. ای . لینن
--------------------------	--------------

www.KetabFarsi.com

**Zur Charakteristik  
der ökonomischen  
Romantik**

**W. L. LENIN**

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

www.KetabFarsi.com

التشارات كمو نيسم